
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

معاونت پژوهش
مدیریت حوزه علمیه خواهران استان همدان

بانوی اثرگذار؛
بازخوانی هویت و مقاومت در مکتب زینبی



مدرسه علمیه معصومیه شهرستان نهاوند و
صدیقه کبری سلام الله علیها شهرستان بهار

ویژه نامه ماه محرم

تیر ماه ۱۴۰۵

حضرت زینب سلام الله علیها در کلام امام خمینی(ره)

◆ همان مقداری که فداکاری حضرت ارزش پیش خدای تبارک و تعالی دارد و در پیشبرد نهضت حسین- سلام‌الله علیه- کمک کرده است، خطبه های حضرت سجاد و حضرت زینب هم به همان مقدار یا قریب آن مقدار تأثیر داشته است. آنها به ما فهماندند که در مقابل جائر، در مقابل حکومت جور، نباید زن‌ها بترسند و نباید مردها بترسند.

◆ در مقابل یزید، حضرت زینب- سلام‌الله علیها- ایستاد و آن را همچو تحقیر کرد که بنی امیه در عمرشان همچو تحقیری نشنیده بودند.

◆ باید همانطوری که زینب سلام‌الله علیها در دنبالهٔ آن مصیبت بزرگی که "تُصَغَّرُ عِنْدَهُ الْمَصائِبُ"، ایستاد و در مقابل کفر و در مقابل زندقه صحبت کرد و هر جا موقع شد، مطلب را بیان کرد و حضرت علی بن الحسین سلام‌الله علیه با آن حال نقاهت، آنطوری که شایسته است تبلیغ کرد.

صحیفه امام، ج۱۷، ص ۵۴ و ۵۶





زینب (س)؛ راز پیروزی عاشورا

«عامل پیروزی خون بر شمشیر در عاشورا، حضرت زینب بود.»

این حادثه نشان داد که زن در حاشیه‌ی تاریخ نیست؛
زن در متن حوادث مهم تاریخی قرار دارد.

منش زینب کبری و نقشی که بر عهده گرفت، این حقیقت را اثبات کرد. (رهبر شهید انقلاب، ۱۳۸۹/۰۲/۰۱)



الگوی سوم زن

تقابل هویت‌ها در جهان معاصر و ظهور «الگوی سوم»

در برابر هجمه‌های تمدنی و رسانه‌ای جهان معاصر، زن مسلمان نیازمند هویتی است که نه در انفعال تاریخی غرق شود و نه در ابتذال مدرن.
«الگوی سوم زن»، پاسخی تمدن‌ساز به این بحران است؛ الگویی که معماری آن در کربلا و به دست عقیله بنی‌هاشم، حضرت زینب(س) پایه‌گذاری شد.

یادداشت کوتاه

بازخوانی هویت و مقاومت مویت در مکتب زینبی

مکتب زینبی، فراتر از یک روایت تاریخی، یک پارادایم «کنشگری آگاهانه» است که مرز میان هویت زنانه و حضور در عرصه عمومی را بازتعریف می‌کند. در این الگو، زن از یک «سوژه منفعل» به یک «کنشگر سیاسی-اجتماعی» تبدیل می‌شود که با تکیه بر هویت اصیل خود، در برابر ساختارهای فشار ایستادگی می‌کند.

یکی از کلیدی‌ترین ابعاد این مکتب، «مدیریت روایت» است؛ جایی که حضرت زینب (س) در اوج بحران، از قدرت کلام برای جلوگیری از پیروزی ایدئولوژیک دشمن استفاده کرد. او با تبدیل روایات تکه‌تکه شده به یک فکری منسجم، مانع از حذف حقیقت شد و نشان داد که مقاومت، تنها در میدان‌های جنگ نیست، بلکه در میدان «آگاهی‌سازی» نیز جریان دارد.

اپیروزی ایدئولوژیک دشمن استفاده کرد. او با تبدیل روایات تکه‌تکه له شده به یک نظام فکری منسجم، مانع از حذف حقیقت شد و نشان داد که مقاومت، تنها میدان‌های جنگ نیست، بلکه در میدان (آگاهی نیست، بلکه در میدان «آگاهی‌سازی» نیز جریان دارد. علاوه بر این، این مکتب مفهوم «تاب‌آوری استراتژیک» مطرح می‌کند؛ یعنی توانایی حفظ ثبات درونی و اخلاقی در عین مواجهه با شدیدترین بحران‌های بیرونی. در واقع، بانوی اثرگذار در این مکتب، زنی است که با پیوند میان «اصالت هویت» و «قدرت کلام»، توانست از مرزهای انفعالی عبور کرده و نقش رهبری فکری در تاریخ را ایفا کند.

این الگو، راهکاری برای بازسازی هویت درمواجهه با بحران‌های هویتی و ساختارهای استکبار معاصر ارائه می‌دهد.

منبع: با تکیه بر تحلیل‌های ساختاری در آثار شهید مرتضی مطهری (در بحث تبیین جایگاه شخصیت‌های صدر اسلام) و بررسی‌های تاریخی تاریخ طبری.

چه بگویم از تو؟

گفتم از کوه بگویم قدمم می لرزد
از تو دم می زنم اما قلمم می لرزد

هیبت نام تو یک عمر تکانم داده ست
رسم مردانگی ات راه نشانم داده ست

پی نبردیم به یکتایی نامت زینب
کار ما نیست شناسایی نامت زینب

من در ادراک شکوه تو سرم می سوزد
جبرئیلم همه بال و پرم می سوزد

من در اعماق خیالم چه بگویم از تو
من در این مرحله لالم چه بگویم از تو

چه بگویم؟! به خدا از تو سرودن سخت است
هم علی بودن و هم فاطمه بودن سخت است

چه بگویم که خداوند روایتگر توست
تار و پود همه افلاک نخ معجر توست

روبروی تو که قرآن خدا وا می شد
لب آیات به تفسیر شما وا می شد

آمدی شمس و قمر پیش تو سوسو بزنند
تا که مردان جهان پیش تو زانو بزنند

چشم وا کردی و دنیای علی زیبا شد
باز تکرار همان سوره «اُعطینا» شد

عشق عالم به تو از شوق مکرر می گفت
به گمانم به تو آرام پیمبر می گفت:

بی تو دنیای من از شور و شرر خالی بود
جای تو زیر عبایم چقدر خالی بود

سید حمیدرضا برقعی



بازخوانی هویت و مقاومت در مکتب زینبی

عبور از سوژه منفعل و تبدیل به کنشگر سیاسی-اجتماعی



تاب‌آوری استراتژیک

توانایی حفظ ثبات درونی و اخلاقی در در مواجهه با شدیدترین بحران‌های بیرونی.



مدیریت روایت

استفاده از قدرت کلام در اوج بحران. تبدیل روایات تکه‌تکه به نظام فکری منسجم برای جلوگیری از پیروزی ایدئولوژیک دشمن.



کنشگری آگاهانه

تکیه بر هویت اصیل در برابر ساختارهای فشار برای عبور از انفعال.

پیوند میان «اصالت هویت» و «قدرت کلام»؛ راهکاری برای بازسازی هویت زنانه در معاصر.

داستانک
«چادر سفید مادربزرگ»



سارا با هیجان🌟 چادر مشکی جدیدش را سَرّ کرد و رو به مادر گفت: "مامان! امروز می‌خوام مثل شما تو هیئت عزاداری 🕌 شرکت کنم!" مادر در حالی که چادر سارا را مرتب می‌کرد، لبخندی زد😊 و گفت: "عزیزم، می‌دونی چرا در مراسم ها با حجاب کامل حاضر می‌شیم؟"

پدربزرگ 👴🏻 که مشغول خواندن زیارت عاشورا 📖 بود، سرش را بلند کرد و آرام گفت: "سارا جان، حضرت زینب(سلام الله علیها) در همین چادر، آن همه سختی ها را تحمل کرد تا پیام برادرش را به مردم برساند. چادر ما هم مثل پرچمی 🏴 است که نشان می‌دهد ما هم پیرو همین راه هستیم."

در راه هیئت 🚶‍♀️ ، سارا متوجه دختر همسایه 👩‍🦱 شد که با تردید به چادرش نگاه می‌کرد. با شهامت به او نزدیک شد. سلام کرد و در حالی که لبخندی بشتاب بر لب داشت گفت: "خیلی حس خوبی دارم! چادر مثل بغل کردن امام حسینه... امن و قشنگه!" مادر با شنـــــیدن این جمله، آهسته در گوش سارا گفت: "دخترم، بهترین راه آموزش حجاب، رفتار محبت‌آمیز و بدون اجباره❤️".

توی هیئت وقتی سارا دید یکی از خانم‌ها چادرش را کنار زده، با ادب نزدیک شد و گفت: "خانم، مگه ما امروز مهمان حضرت زینب(سلام الله علیها) نیستیم؟ ایشون هم چادرشون رو حفظ کردن..." زن با شنیدن این حرف از یک کودک، چادرش را محکم بست و گفت: "حق با توست عزیزم!"

بعد از اتمام هیئت وقتی به خانه رسیدند 🏠، سارا چادر سفید مادربزرگ را دید که با احترام روی صندلی گذاشته شده بود. مادربزرگ که دید سارا با اشتیاق به چادر نگاه میکنه توضیح داد: "حجاب ما در عزاداری، مثل چراغی 💡 " هست که مدام داره میگه: من هم مثل حضرت زینب می‌خوام پیام عاشورا را با حرمت نگه دارم!"

منبع: وبسایت نشر هاجر

ایستگاه عبور



کتاب را که می‌گشایم، گویی بندهای زمان از هم گسسته می‌شوند.
سال ۱۳۵۹ فرامی‌رسد؛ خرمشهرِ محاصره‌شده با تمام شکوه زخم‌خورده‌اش، در مقابل دیدگانم جان می‌گیرد.
این کتاب تنها ورق‌های کاغذ نیست؛ گذرنامه‌ای است به میانه‌ی گرد و غبارِ آلوده به باروت و غیرتی که در رگ‌های این خاک جاری‌ست.
«دا»؛ این واژه‌ی ساده و مقدس... در اینجا نام مادری است که فرزندانش را در آغوش کشِ جنگ، با دستانی خالی، اما قلبی کوه را به زانو درمی‌آورد. به سپیدیِ کتاب، گویی بومی‌ست که بر آن با جوهری از جنس خون و حماسه، تابلوی شهادت نقش بسته است.
هر کلمه‌اش، تصویری سیاه و سفید اما زنده است که بوی باروت و غربت خاک را به مشام می‌رساند.
خواندن «دا» تجربه‌ای است شبیه به قدم زدن در آستانه‌ی تقدیری بلورین؛ جایی که مرگ، بی‌پرده و عریان، در برابر دیدگانت می‌رقصد. اما تو به جای آنکه در چنگال ترس اسیر شوی، با مفهوم «ماه‌ماندن» غسل سنگینی حضورش را در همین نزدیکی، روی شانه‌هایت حس می‌کنی.

خواندن «دا» تجربه‌ای است شبیه به قدم زدن در آستانه‌ی تقدیری بلورین؛ جایی که مرگ، بی‌پرده و عریان، در برابر دیدگانت می‌رقصد. اما تو به جای آنکه در چنگال ترس اسیر شوی، با مفهوم «ماندن» غسل: همچنان در تکاپی می‌شود که گویی سنگینی حضورش را در همین نزدیکی، روی شانه‌هایت حس می‌کنی.
این کتاب، یک «فیلم مکتوب» است؛ روایتی که گستره‌ی زمانی دو نماز، از فلق تا شفق را در وسعت یک پلک برهم‌زدن، به تجربه‌ای از ابدیت بدل می‌کند.
«دا»» روایت دختری است که در تندبادِ حوادث، یکشبه ره صدساله‌ی کمال را می‌پیماید؛ کسی که در میانه‌ی تلخ‌ترین سوگ‌ها – از دست دادن پدر و برادران، معنای ایستادن را از نو تعریف می‌کند.
اگر می‌خواهید بدانید چگونه زنی در بطن فاجعه، تکیه‌گاه یک شهر می‌شود، باید «دا» را خواند. این کتاب تو را از امنیت اتاق دنجت بیرون می‌کشد و به کوچه کوچه پس‌کوچه‌های خرمشهر می‌برد؛ جایی که وقتی کتاب را می‌بندی، دیگر آن آدم سابق نیستی، چرا که بخشی از جان تو، برای همیشه در خاک‌های خونین خرمشهر به امانت مانده است.

نوشته مریم قپانوری

ابعاد چهارگانه مقاومت فرهنگی زینب (س)

مقاومت فرهنگی

NODE 1 (مقاومت کلامی):

خطبه‌های آتشین و مستدل در کوفه و شام برای افشای چهره نفاق.

NODE 2 (مقاومت عملی):

حفظ کرامت انسانی در اسارت و پرستاری از بازماندگان.

NODE 3 (مقاومت سیاسی):

محاکمه قدرت حاکم در برابر قاکم در برابر افکار عمومی و مشروعیت‌زدایی از طاغوت.

NODE 4 (مقاومت اعتقادی):

حفظ ارزش‌های اسلامی (عفاف و حجاب) و جلوگیری از تحریف دین.

بقای حقیقت در گرو روایت زینبی

اگر عاشورا زنده مانده است، به دلیل پیوند خون حسین(ع) و زبان زینب(س) است.
در جهان امروز نیز، بقای حقانیت اسلام و جبهه مقاومت، وابسته به زنانی است که
با اقتدا به این الگوی بی‌بدیل، راویان شجاع حقیقت و معماران آگاهی باشند.